



درس فارج فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: نکاح

تاریخ: ۸ مهر ۱۳۹۹

موضوع جزئی: مسئله ۱۸- حکم نظر به تصویر زن- مقام سوم: نظر به تصویر زن- ادله عدم جواز- دلیل سوم:

آیه «وَلَا يَضْرِبْنَ بَأَرْجُلِهِنَّ...» و بررسی آن

مصادف با: ۱۱ صفر ۱۴۴۲

جلسه: ۱۳

سال سوم

«الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين واللعن على اعدائهم اجمعين»

محصل استدلال به آیه «و لا يضربن بأرجلهن...»

بحث در دلیل سوم از ادله قول به حرمت نظر به تصویر زن مطلقاً بود. دلیل سوم، آیه «وَلَا يَضْرِبْنَ بَأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ» بود. در جلسه قبل بحث‌هایی درباره این آیه ذکر کردیم. تقریب استدلال به این آیه ذکر شد؛ محصل استدلال این بود که این آیه نهی می‌کند از کوبیدن پاها بر زمین به منظور اعلام زینت‌های مخفی و عرض کردیم که اگر اعلام زینت‌های مخفی به اعتبار اینکه حاکی و کاشف از موضعی از بدن است و موجب جلب توجه می‌شود، بنابراین نفس این کار جایز نیست. یعنی کأن ضرب الارجل به عنوان یک چیزی که به منزله ابداء الزینة دانسته می‌شود، (بلکه اشد از ابداء الزینة است)، مورد تحریم قرار گرفته است. در صدر آیه ابداء الزینة ممنوع شمرده شد و عرض شد این آیه دلالت بر وجوب ستر دارد که مواضع زینت بدن زن باید پوشیده شود. آن وقت از راه ملازمه عرفی که بین نظر و ستر وجود دارد، گفتیم وجوب ستر یا حرمت کشف دلالت می‌کند بر حرمت نظر. بر این اساس، این کار هم در واقع به منزله ابداء زینت است و لذا نهی شده است؛ بلکه به تعبیر برخی اشد از ابداء الزینة است. آن‌گاه با این بیان کأن دایره ستر توسعه پیدا می‌کند؛ دایره پوشش گسترده‌تر می‌شود. هر چیزی که به نوعی اعلام‌کننده زینت محسوب شود، در دایره وجوب ستر قرار می‌گیرد و اگر پوشش اعلام‌کننده‌ها لازم باشد، نظر به آنها هم لایجوز.

این تقریباً محصل استدلال به این آیه بعد از آن گفتگوها و بحث‌هایی که داشتیم؛ این یک راه است که ما به این ترتیب بتوانیم دلالت این آیه بر حرمت نظر به تصویر را ثابت کنیم. پس عنایت داشته باشید که آیه نهی کرده از اینکه زن کاری کند که صدای زینت‌هایش به گوش مرد برسد. البته با توجه به شأن نزول این آیه و آنچه که در دوران جاهلیت رسم بود که زنان این کار را می‌کردند برای جلب توجه، حالا این یا لتبرج بود و برای خودنمایی بود، یا برای مفاسد دیگر؛ برای اینکه جلب نظر و تهییج و تحریک مردان شود. گاهی لتهییج و گاهی لتبرج ممکن است این کار صورت بگیرد.

علی‌ای حال این مورد نهی قرار گرفته و قرار گرفتن این آیه در ادامه آیه «ولایبیدین زینتهن الا ما ظهر منها»، در واقع مشعر به این معناست که مسأله ابداء زینت حرام است؛ آشکار کردن زینت که ملازم با آشکار شدن آن مواضع زینت است، این جایز نیست و بعضی از کارها هم به منزله ابداء زینت است که آنها هم جایز نیست. ضرب الارجل در واقع کأن به منزله ابداء زینت است و حتی ممکن است اشد هم باشد. بنابراین جایز نیست. اگر گفتیم اسماع الزینة و اعلام الزینة مثل ابداء الزینة لایجوز و در واقع تأکید بر ستر است و به یک معنا تعمیم دایره ستر است؛ می‌خواهد بگوید نه تنها آن مواضع زینت - بدن، ساق پا،

بازو، دست و مو - باید پوشیده شود، کأن ستر هر چیزی که به نوعی حاکی از آن مواضع زینت باشد، آن هم جایز نیست. اگر دایره ستر را اینطور توسعه دادیم و گفتیم اینجا می‌خواهد بگوید ضرب الارجل به این عنوان که اعلام کننده است، آگاه‌کننده است، حکایت‌گر و مبین از آن مواضع است، پس اینها هم باید پوشیده شود و نباید انجام شود، این اسماص صورت نگیرد. بر این اساس بعید نیست که این اعلام مایخفین به هر نحوی که صورت بگیرد، این جایز نباشد؛ آن وقت شامل تصویر هم می‌شود. چون بالاخره تصویر هم اعلام مایخفین است.

اینجا فقط یک نکته را توجه بفرمایید؛ بعضی تفصیل داده‌اند بین آنجایی که این کار - یعنی ضرب الارجل - به قصد الاعلام صورت می‌گیرد و بین آنجایی که ضرب الارجل به قصد این کار صورت نمی‌گیرد اما به طور قهری آن اتفاق می‌افتد. گفته‌اند دومی حرام نیست ولی اولی حرام است. اگر کسی این چنین تفکیک کند و تفصیل بدهد بین اینها که بالاخره فرق می‌کند بین آنجایی که کسی پا را بر زمین بکوبد به قصد اعلام و فهماندن و آگاه‌کردن، این ضرب الارجل را گفته‌اند حرام است؛ ولی اگر این قصد در آن نباشد، حرام نیست. اگر این را بگوییم، دیگر آن وقت اینکه بخواهیم به طور کلی دایره ستر را اینقدر توسعه بدهیم، دیگر معلوم نیست که بتوانیم این مسأله را بپذیریم.

پس نتیجه اینکه براساس این تقریب و این بیان که کسی ادعا کند ضرب الارجل به عنوان اینکه موجب اعلام زینت‌های مخفی و قهراً مواضعی از بدن می‌شود، ممنوع شمرده شده و حرام دانسته شده و لذا ستر آنها هم لازم است. حالا ستر در اینجا این است که این ضرب الارجل صورت نگیرد و این صدا خاموش شود، این صدا اسماص نشود و منتشر نشود. معنایش این است که پا را نکوبید تا صدا شنیده نشود. این اگر حرام باشد، این صدا نباید شنیده شود؛ می‌شود مثل ابداء الزینة. لذا همانطور که ابداء الزینة دلالت بر وجوب ستر و حرمت کشف می‌کرد، اینجا هم این حرام است و نظر هم بالتبع، این سماع و استماع این صدا، اینها همه حرام می‌شود. استشمام رایحه عطر حرام می‌شود؛ شنیدن کلام و سخنی که توصیف می‌کند این زینت‌های مخفی را، این هم حرام می‌شود. یعنی به طور کلی همه این امور در حیطة وجوب ستر قرار می‌گیرند و لذا نظر، استماع، استشمام، حالا قهری نه، برای کسی که به دنبال این باشد، اینها همه محل اشکال می‌شود.

مسأله بررسی حکمت‌ها را در بحث از روایاتی که حکمت‌ها را بیان کرده‌اند متعرض خواهیم شد، لذا در این بخش خیلی وارد نمی‌شوم و در این دلیل خیلی روی آن تأکید نمی‌کنم. چون ما چند روایت داریم که هر کدام از اینها به یک حکمت‌هایی اشاره کرده‌اند؛ باید ببینیم آن روایات شامل این مورد می‌شود یا نمی‌شود. اما اجمالاً در این موضوع و در این بحثی که الان داریم درباره‌اش سخن می‌گوییم، می‌توانیم این را بگوییم که بالاخره از مجموع این آیات ۳۰ و ۳۱ سوره نور که «قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم» در آن هست، «ولایبیدن زینتھن» هست، تا می‌رسد به ذیل آیه که «ولایضربن بارجلھن» مطرح شده، این است که به طور کلی کأن از نظر شارع مقدس هر اقدامی که بخواهد به نوعی موجب جلب توجه مردان به زنان شود، موجب تحریک و تهییج آنها شود، یک نوعی توجه آنها را به سوی زنان جلب کند، این ممنوع شمرده شده است. این چیزی است که از مذاق شریعت بدست می‌آید و ادله متعددی این را می‌رساند. عرض کردم که این را به عنوان تکمیل و متمیم بحث می‌کنیم والا از نظر دلالت لفظی، طریقه استدلال و بیان همانی است که عرض کردیم.

سؤال:

استاد: دو تا بحث است؛ یک وقت شما می‌خواهید بگویید که این منجر به توجه به خود زن می‌شود ولی مسأله تهییج و تحریک و اینکه بالاخره این توجه اینجا با یک واسطه‌ای صورت می‌گیرد؛ اتفاقاً بعضی از کسانی که تفصیل داده‌اند بین صورت شناخت بیننده و عدم شناخت، نظرشان همین است که می‌گویند این وقتی که بشناسد در واقع وقتی که عکسش را می‌بیند، به آن زینت‌های مخفی و به آن چیزها آگاه می‌شود. یعنی یک تصویر کاملی در ذهن او ایجاد می‌شود و تحریک و تهییج او را بیشتر می‌کند. بنابراین مسأله تهییج شهوت، تحریک، تهییج الی الفساد، آن فرق نمی‌کند؛ آن به هر یک از این طرق حاصل می‌شود.

سؤال:

استاد: بالاخره اگر نهی از ابداء الزینة شده، «لایبیدن زینتهن» آنجا مطلق است؛ می‌گوید زن‌ها زینت‌هایشان را آشکار نکنند. اینکه اینها مصداق ابداء الزینة باشد، آن نیست. می‌گوید زن زینتش را آشکار نکند؛ شامل آن نمی‌شود. ولی اصل حرمت نظر، یعنی یا وجوب ستر و بالملازمه حرمت نظر از آن آیه استفاده می‌شود. فلسفه‌اش چه بود؟ بالاخره حالا ما می‌خواهیم عرض کنیم این وقتی حکم آن را پیدا کند، به منزله ابداء الزینة شود، دیگر فرقی نمی‌کند. ... این نکته دقیقش همین جاست. ... وجوب ستر از آیه «لایبیدن زینتهن» استفاده می‌شود؛ یعنی ستر بدن. آنجا ستر البدن، ستر الجسد، ستر الاعضاء است. مسلم است که شامل عکس و تصویر نمی‌شود. اما این آیه دارد دایره لزوم ستر را گسترش می‌دهد؛ یعنی ستر الاعضاء که مسلم لازم است و از آن آیه فهمیده می‌شود؛ حالا می‌خواهد بگوید ستر المعلن، هم لازم است. ... آنجا شامل تصویر نمی‌شود؛ اگر ما اینجا این تعمیم را پذیرفتیم، پس دیگر این حرف که حالا آن دلالت نکرد و این به طریق اولی ... این حرف باطل است. می‌خواهیم ببینیم آیا ما از این آیه تعمیم نسبت به دایره ستر را استفاده می‌کنیم یا نمی‌کنیم. مستدل می‌گوید تا حالا آیه می‌گفت ستر الاعضاء واجب است؛ لذا نظر به اعضاء هم حرام است. اما اینجا می‌خواهد بگوید ستر دامنه‌اش وسیع و گسترده است؛ نه تنها باید اعضا پوشیده شود، بلکه هر چیزی که به نوعی معلن و حاکی و مبین آن زینت‌های مخفی باشد، از آن هم باید بر حذر باشد. اگر اینجا تأکید روی ستر، حالا اینکه ستر می‌گوییم هر چیزی به حسب خودش است، پوشیده نگه داشتن، مخفی کردن، آشکار نکردن هر چیزی که به نوعی حاکی از آن زینت‌ها و مواضع است، معنایش این است که مخفی کردن و پوشیده نگه داشتن و پنهان کردن همه معلن‌ها هم لازم است. این می‌خواهد بوی خوش باشد، می‌خواهد صدای خلخال باشد که بر پا بسته شده باشد. ... اگر متعلق نهی ضرب الارجل است، منتهی نه ضرب الارجل بما انه ضرب الارجل؛ ضرب الارجل بما انه حاکی او معلن او مبین لما یخفین من زینتهن.

سؤال:

استاد: اینکه بگوییم اصلاً این ربطی به عکس ندارد و این راجع به اعضاء بدن است درست نیست. شما دو سه اشکال دیگر آوردی که اصلاً اینها بحث دیگری است. ... خیلی دقت می‌خواهد که فرق حرف‌ها اینجا فهمیده شود. الان در واقع اینجا این مستدل چگونه از این آیه می‌خواهد استفاده حرمت نظر به عکس کند؟ عرض کردم از راه تعمیم دایره ستر و وجوب پوشش نسبت به خود اعضا به هر چیزی که معلن و مبین و حاکی باشد. اگر این تعمیم را پذیرفتیم و گفتیم بله، این دارد می‌گوید ضرب الارجل نکنید، چون معلن مایخفین من زینتهن است. اگر ستر آن هم واجب شد، حالا به هر دلیل، پس هر چیزی که

این حکایت‌گری در آن باشد، شنیدن صدای خلخال، شنیدن کلامی که توصیف‌گر خصوصیات زینت‌های باطنی زن است و از جمله عکس، اشکال پیدا می‌کند. این اجمالاً از آیه فهمیده می‌شود. این یک احتمال است. ببینیم آیا این احتمال، احتمال مطابق ظاهر است، راجح است یا احتمال مرجوحی است. فوری نگویید اذاجاء الاحتمال بطل الاستدلال است. بله، این یک احتمالی است که باید ببینیم آیا با ظاهر آیه همخوانی و سازگاری دارد یا نه. احتمالات دیگر اینجا هم هست؛ هر کدام از آقایان که یک احتمالی را گفته‌اند، نگفته‌اند که آیه مجمل است. ما نمی‌خواهیم بگوییم این آیه اجمال دارد. اگر گفته شود اینجا چند احتمال است و چون هیچ احتمالی ترجیح ندارد پس آیه مجمل است، چنین چیزی نیست. آیه مجمل نیست؛ بحث در استظهار آیه است. شما بفرمایید به این دلیل و به این دلیل این استظهار صحیح نیست؛ شما خدشه در استظهار مستدل از آیه کنید.

بعد اینکه حالا عرض کردم این به چه منظوری این نهی صورت گرفته است؛ حالا این در حکمت‌هاست که ما ان‌شاءالله در روایات بررسی می‌کنیم. چون در این آیه به این حکمت‌ها اشاره نشده است؛ این استظهار است که کآن می‌خواهد بگوید ضرب الارجل بما انه حاکی عن الزینة المخفیة یا عن مواضع الزینة المخفیة که لایجوز النظر الیها، اینها هم باید مستور بماند و اعلام نشود و در معرض قرار نگیرد. اگر این باشد، آن وقت ما می‌گوییم این دایره ستر توسعه پیدا کرده، بعد آن وقت حرمت فعل متناسب با آن چیزی که باید مخفی می‌شد، آن هم ثابت می‌شود. این تقریب این استدلال است. شما اگر می‌خواهی اشکال کنی، اول بگو این آیه مجمل است؛ یا قرینه‌ای بیاور ... ضرب الارجل را هیچ کسی نگفته که موضوعیت دارد ... بعضی‌ها می‌گویند مطلق ضرب الارجل به اعتبار اینکه یک خلخال در پایش است، ولو قصد اعلام نداشته باشد، فی نفسه حرام است. بعضی‌ها می‌گویند این در صورتی است که قصد اعلام باشد، ولی هیچ‌کس نمی‌گوید ضرب الارجل به تنهایی موضوع برای حرمت است.

سؤال:

استاد: ایشان هم در جلسه قبل همین را گفت که این به اعتبار اینکه مستلزم نظر به خود آن است جایز نیست. شما از کجا می‌گویید این در این آیه مورد تحریم قرار گرفته چون مستلزم نظر به آن است؟ ... اگر شما ستر را اینطور معنا کردید و دایره ستر را توسعه دادید، دیگر کاری به آن جهت ندارد. ... چرا جلب می‌کند؟ می‌گویید حاکی است؛ اصلاً جلب می‌کند یعنی چه؟ ... لیعلم ما یخفین این در حقیقت مبین و حکایت‌گر از آن است. طبق این بیان، هر حکایت‌گری، هر معنی، نسبت به زن در حقیقت ممنوع است استفاده‌اش. ... ما اینجا یک حاکی داریم و یک محکی؛ این حکایت‌گری از در و دیوار نیست؛ آن صدا حکایت از چه دارد؟ ... پس هر چیزی که معن و حاکی باشد از آن زن مگر در این آمده که لایضربن بارجلهن لیعلم ما یخفین من زینتهن بشرط أن ینظر الرجل الیه؛ یعنی شما شرط متأخر درست می‌کنید ... شما می‌گویید این چون منجر نظر به خودش می‌شود، ... اگر تهییج باشد، آنجا هم هست. تهییج غیر از مسأله لذت است؛ من می‌خواهم بگویم اگر نفس حکایت‌گری، اعلام اشکال داشته باشد این جا هم حکایت‌گری هست. آیا عکس به اندازه آن صدای خلخال حکایت‌گری ندارد؟ ... حرف شما این است که صدای خلخال، بوی عطر همان لحظه توجه را جلب می‌کند ولی عکس همان لحظه نمی‌کند. بالاخره با یک فاصله و با یک واسطه‌ای جلب توجه ایجاد می‌شود. هر سه حکایت‌گرند از یک واقعیت

خارجی، از مرأة. حالا نوع حکایت‌گری‌شان فرق می‌کند؛ یکی از راه شامه است، یکی از راه سامعه است، یکی از راه بصر است. بالاخره هر سه حکایت‌گرند. بله، به خودش نگاه نمی‌کند. حکایت‌گری و تبیین مورد نظر است. ما الفرق بین الصوت الناشئ عن الخلدخال و بین رائحة العطر و بین التصوير؟ اینها هر کدام به نوعی آن حکایت‌گری را دارند. ... رایحه جلب توجه می‌کند آنجایی که می‌گویند زن عطر استعمال نکند، شرط کرده‌اند که این منجر به نظر مرد شود؟ ... الان یک نایبایی در اینجا هست و یک زنی عطر می‌زند و وارد می‌شود و اصلاً نظری در کار نیست. آیا این جایز است؟ اگر حکایت‌گری و اعلان مدنظر باشد، ما الفرق بین اینها؟ ... اگر ما گفتیم اسماع بمنزلة الابداء است، تصویر هم به نوعی به منزله ابداء است. ... یک وقت خودش آشکار می‌کند؛ یک وقت یک زنی نشسته و خودش چادرش را برمی‌دارد، یک وقت هم هست یک کسی چادرش را برمی‌دارد. بحث این است که ابداء کرده است، ولی یصدق علیه الابداء. در تصویر هم بالاخره اگر ما گفتیم حاکی این خصوصیت را دارد و هر نوع حاکی باید مستور بماند و دایره ستر را توسعه دادیم و شامل معن و حاکی و مبین دانستیم، پس اینها هم چه می‌شود؟ پوشیده ماندن همه حاکیان واجب است، یعنی نباید چیزی به عنوان حاکی در معرض قرار بگیرد. این به نوعی نظر به حاکی و شنیدن حاکی و استشمام حاکی، اینها همه محل اشکال می‌شود.

«والحمد لله رب العالمین»